# آن ۳۰۰۰ روز تاریخی

## از دوم خرداد ۷۶
## تا ۱۲ مرداد ۸۴
## با دولت خاتمی

حسن کرمی

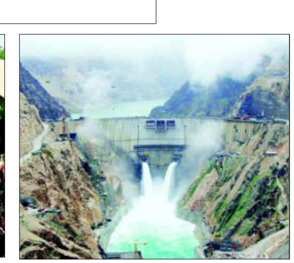
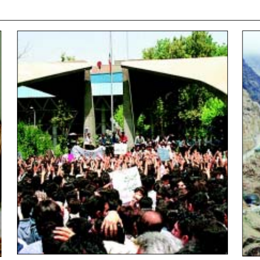

از حدود ۳۰۰۰ روز پیش که احتمال پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات خرداد۷۶ بر رقبای خود بیشتر و بیشتر می شد تا به امروز، حوادث و رخدادهای بسیاری را پشت سر گذاشته ایم. حوادث طبیعی چون سیل و خشکسالی و زلزله و بحرانهایی که غیرطبیعی بوده و یا آفریده شدند. در این نوشته تفکیک حوادث و رخدادها و یا تحلیل آنها هدف ما نیست بلکه رخدادهایی که اتفاق افتاده را چه تلخ، چه شیرین، به ترتیب تاریخ یادآوری می کنیم تا به یاد آوریم چه مسیری را طی کرده ایم و در کجا قرار داریم.

**● سال اول (خرداد۷۶ تا خرداد۷۷)**

مروری بر آنچه هشت سال پیش در چنین روزهایی رخ داد، نشان می دهد اردیبهشت ۷۶ اوج حملاتی بود که قبل از دوم خرداد علیه سیدمحمد خاتمی طراحی و برنامه ریزی شده بود. تبلیغات یک طرفه صدا و سیما، حملات گروههای فشار به جلسات انتخاباتی آقای خاتمی، درج توهین و اتهام به سیدمحمد خاتمی در نشریات، راه اندازی کارناوال شادی در عصر عاشورا ... از جمله اقدامات تخریبی و غیر اخلاقی بود که توسط مخالفین انجام گرفت. اما با تمام این سنگ اندازیها و بازی درآوردنها، مردم حماسه آفریدند و از ۲۹ میلیون رأی، ۲۰ میلیون به نام سید مظلوم ثبت شد. حتی بخشی از مردم که به سید رأی نداده بودند از این حماسه لذت بردند. فعالان سیاسی اردوگاه چپ آماده می شدند تا برای آبادانی و سرافرازی میهن اسلامی و مردم خوب آن، به یاری رئیس جمهور جدید بشتابند. برخی نیز مشغول تحلیل نتیجه انتخاباتی بودند که همه را مات کرده بود. تا چندروز پیش از انتخابات خوشبین ترین افراد سیاسی، گمانشان این بود که با تفاوتی جزئی، رقابت بین دورقیب اصلی (ناطق نوری و محمد خاتمی) به دور دوم کشیده می شود برخی نیز در این مورد شرط بندی کردند اما با اعلام نتیجه انتخابات همانها نخستین افرادی بودند که از این حماسه شوکه شدند. از اولین ساعات بامداد روز سوم خرداد خبرهای خوشی از شهرستانها می رسید. ساعت ۸ صبح خبر رادیو از شمارش ۸/۵ میلیون رأی خبر داد که بیش از ۶ میلیون آن مربوط به خاتمی بود. چند ساعت بعد ناطق نوری در پیامی که از بخش خبری ساعت ۱۴ صدا و سیما پخش شد انتخاب سید محمد خاتمی را تبریک گفت و پس از آن سیل پیامهای تبریک سرازیر شد. حالا دیگر مثل چندروز پیش نبود که صدا و سیما از بردن نام محمد خاتمی طفره می رفت، کم و بیش نام او که حالا رئیس جمهور منتخب لقب گرفته بود، برده می شد و گاهی نیز عکسی از وی به نمایش درمی آمد.

گزینش کابینه آغاز شد، انواع پیشنهادات ارائه می شد و نهایتاً اعضای کابینه پس از مدتها بررسی و ملاحظات خاص، به مجلس پنجم که اکثریت آن را اجناح راست تشکیل می داد، معرفی شدند. همه وزرا رأی اعتماد گرفتند، گرچه عبدالله نوری و عطاءالله مهاجرانی کمترین رأی اعتماد را از مجلس پنجم گرفتند و بعدها توسط همین مجلس استیضاح و نهایتاً مجبور به ترک کابینه شدند.

حوادث ماههای اولیه نشان داد دولت جدید با بحرانهای بسیاری رو به رو خواهد بود. دستگیری شهرداران مناطق تهران، انتقادات آقایان منتظری و آذری قمی و حوادث متعاقب آن، حمله گروه فشار به برخی سینماها و روزنامه ها، حمله به مراسم بزرگداشت مهندس بازرگان در تهران و تبریز، حمله گروه فشار به مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان، حمله به تجمع تحکیم وحدت، تهدید خبرنگار سلام توسط رئیس قوه قضاییه به دنبال طرح پرسش وی درباره شکنجه شهرداران تهران در دوران بازداشت و برخی دستگیری ها از جمله دستگیری اکبر گنجی (در سال ۷۶) و دهها رخداد دیگر اتفاقاتی بودند که در ماههای اولیه شروع به کار دولت جدید رخ داد. با این حال رخدادهای خوشی نیز پشت سر گذاشتیم. برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی که مهمترین کنفرانس بین المللی پس از انقلاب در ایران بود از طرفی و گفت وگوی رئیس جمهور با شبکه «سی.ان.ان» از سویی و همچنین پیروزی معجزه آسای تیم ملی فوتبال ایران در مقابل تیم فوتبال استرالیا و راهیابی به جام جهانی ۱۹۹۸، تا مدتها ایران را در صدر اخبار و رسانه های جهان قرار داد و در عین حال آغازی بود برای معرفی سیاست خارجی دولت جدید تحت عنوان «تنش زدایی».

انتقادات شدید جناح راست نسبت به تغییر یا تعویض برخی استانداران و فرمانداران که نتیجه منطقی انتخابات بود و حرف و حدیثهای مربوط به دستگیری شهرداران، از جمله موضوعاتی بودند که به سال ۷۷ منتقل شدند. اولین روز پس از تعطیلات نوروز ۷۷، کرباسچی شهردار تهران دستگیر و بازداشت شد. اگرچه این بازداشت طولانی نشد و پس از یازده روز به دنبال نامه رئیس جمهور به مقام رهبری که در آن خبر از بحرانی در مدیران دولتی می داد، کرباسچی آزاد شد ولی قضایای دستگیری و محاکمه کرباسچی تا مدتها نه تنها نقل محافل سیاسی و مطبوعاتی، بلکه ماجرایی جالب برای عموم مردم شده بود به طوری که نمایش محاکمه علنی شهردار تهران از تلویزیون که به «سریال کرباسچی» مشهور شده بود، مردم را تا پاسی از شب مشغول می کرد. به سالگرد دوم خرداد نزدیک می شدیم تا دوم خرداد چند حمله گروه فشار به برخی محافل و احضار احمد بورقانی، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد، به دادگاه مطبوعات پشت سر گذاشته شد. حملات جناح راست به عبدالله نوری هم به اوج خود رسیده بود و بحث استیضاح او مطرح شده بود. بالاخره دوم خرداد فرا رسید. دفتر تحکیم وحدت به مناسبت اولین سالگرد حماسه دوم خرداد مراسمی را تدارک دیده بود.

**● سال دوم (خرداد۷۷ تا خرداد۷۸)**

دوم خرداد۷۷ مصادف بود با ۲۵ محرم که بنا به روایتی با شهادت امام سجاد(ع) مصادف است. یک سال پس از آن حماسه تاریخی، رئیس جمهور به میان دانشجویان آمده بود. چرا که دانشجویان در خلق حماسه دوم خرداد سهم به سزایی داشتند. جوانان پرشور دانشجو با ذوق و شوقی خاص رئیس جمهور محبوبشان را تشویق می کردند و با کف زدن و گاهی هم سوت، سخنان وی را تشویق می کردند. در اعتراض به کف و سوت زدن دانشجویان، جمعی از طلاب و روحانیون کفن پوش در قم و مشهد راهپیمایی کردند و انتقادات بسیاری در این زمینه انجام گرفت. آیت الله خزعلی در یک سخنرانی گفت: «در مراسم دوم خرداد سیلی به صورت اسلام خورد... رئیس جمهور باید در یک جمع عام به این اشتباه خود اعتراف کند و صاف بگوید اشتباه کردم». این اعتراضات تا ماهها بعد هم کم وبیش ادامه داشت، تا جایی که وقتی برخی از حجاج ایرانی و خارجی به هنگام تحویل سال سوت و کف زدند، گفته شد «اگر جلوی دست زدن گرفته می شد به کعبه نمی رسید». پس از این ماجرا در حالی که مردم پیروزی تیم ملی فوتبال را در مقابل تیم آمریکا جشن می گرفتند، عبدالله نوری وزیر کشور دولت ۹ ماهه خاتمی، استیضاح شد. همان روزها بود که روزنامه جامعه که خود را اولین روزنامه جامعه مدنی معرفی کرده بود، توقیف اولین روزنامه پس از دوم خرداد را نیز به نام خود ثبت کرد. پس از آن بود که در طول سال ۷۷ نشریات آدینه، راه نو، توانا، جامعه سالم، شلمچه، خانه و روزنامه توس هم تعطیل شدند. حملات گروه فشار به برخی تجمعات همچنان ادامه داشت. اما پرسر و صداترین حمله گروه فشار در نیمه اول سال ۷۷ مربوط است به ضرب و شتم مهاجرانی، وزیر ارشاد و عبدالله نوری معاون رئیس جمهوری که در مراسم تشییع شهدا و پس از نماز جمعه تهران رخ داد.

انتقادات از سیاستهای داخلی دولت ادامه داشت که هجوم گروه طالبان به مزارشریف و شهادت جمعی از کارکنان وزارت خارجه وخبرنگار خبرگزاری بهانه خوبی شد برای حمله منتقدان به سیاست خارجی دولت یکساله خاتمی. مدتی هم محور اصلی انتقادات به دولت سیدمحمد خاتمی را این موضوع تشکیل می داد. تا دعوای انتخاباتی سومین دوره مجلس خبرگان رهبری شروع شد. این دوره همچون دور دوم در سال ۶۹ کشمکشی طولانی را بین دوجناح پدید آورد و سرانجام با پیروزی جناح راست که رقیب چندانی در برابر نداشت پایان یافت.

آغاز ماه سوم پاییز ۷۷ با حادثه ای همراه بود که بعدها به پرونده قتل های زنجیره ای معروف شد. داریوش فروهر و همسرش در منزل مسکونی شان به طرز فجیعی کشته شدند. چند روزی از این ماجرا نگذشته بود که محمد مختاری و پس از او محمد جعفر پوینده ابتدا ناپدید و پس از چندروز جنازه شان پیدا شد. از طرف رئیس جمهور کمیته ای برای پیگیری این مسأله تشکیل شد که نهایتاً به صدور اطلاعیه مهم وزارت اطلاعات منجر شد. در همان روز رازینی رئیس کل دادگستری تهران ترور شد. (بعدها اعلام شد عاملین این ترور گروهی به نام مهدویت بوده اند) چندروز پس از اطلاعیه وزارت اطلاعات که از دست داشتن تعدادی از نیروهای خودسر آن وزارتخانه در قتلها خبر می داد، روح الله حسینیان ابتدا در کیهان و سپس در برنامه «چراغ» از شبکه اول سیما حاضر شد. مقتولان را ناصبی و عاملان قتلها را از هواداران خاتمی و دوم خرداد معرفی کرد. با همه اینها وزیر اطلاعات استعفا داد و پرونده قتلها به سازمان قضایی نیروهای مسلح سپرده شد.

اگرچه سفر موفقیت آمیز رئیس جمهور به ایتالیا که اولین سفر یک رئیس جمهور ایران به اروپای غربی محسوب می شد و برگزاری اولین انتخابات شوراهای شهر و روستا که با پیروزی هواداران سیدمحمد خاتمی همراه بود از جمله رخدادهای خوب ماههای پایانی سال ۷۷ بودند ولی نیمه دوم این سال پر از درگیری و تشنج و تنش بود. حمله به دفتر انجمن اسلامی دانشگاه شهید چمران، حمله به مراسم سخنرانی عبدالله نوری در دانشگاه تهران، درگیری در دانشگاه علم و صنعت، ممانعت از سخنرانی محتشمی، مشاور رئیس جمهوری در مشهد، به آتش کشیدن انجمن اسلامی دانشگاه سبزوار، درگیری در مراسم چهلم مختاری و پوینده، حمله به ستاد انتخاباتی جبهه مشارکت و کارگزاران قبل از انتخابات شوراها، به خشونت کشیده شدن همایش ائتلاف جبهه دوم خرداد در کرج، حمله به سخنرانی اعظم طالقانی، ضرب و شتم گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی اصفهان، تشنج در جلسه سخنرانی عباس عبدی در مسجد مهدیه قم، ضرب و شتم سید هادی خامنه ای، مشاور رئیس جمهوری در مسجد مهدیه قم، حمله به امام جمعه اصفهان و بر هم زدن نماز جمعه این شهر و حمله به اتوبوس هیأت جهانگردی آمریکایی و ارعاب سرنشینان آن با شکستن شیشه های اتوبوس، از جمله مهمترین تنش هایی هستند که در این مقطع رخ داد. به همه این حوادث که مشکلاتی برای دولت نوپا بودند، سقوط شدید قیمت نفت و خشکسالی و بی آبی کشور را باید اضافه کرد. با این احوال دولت سرافرازانه وارد بیستمین ماه تصدیش بر امور اجرایی شد.

با توقیف روزنامه زن در روزهای نخست سال ۷۸ و انتقاد شدید از مطبوعات و وزارت ارشاد می شد سالی پر ماجرا را پیش بینی کرد. برخی خواستار اخراج مدیر مسؤول روزنامه زن از مجلس بودند و برخی نیز علیه وی تظاهرات کردند و تومار نوشتند. در همین زمان فرمانده آشنای جبهه ها، تیمسار صیاد شیرازی به دست منافقین به شهادت رسید.

مخالفان این موضوع را هم بهانه ای کردند برای شدت انتقاد به مطبوعات. مطالب مندرج در برخی مطبوعات را، زمینه ساز شهادت شهید صیاد شیرازی خواندند. انتقاد از مطبوعات و سیاستهای وزارت ارشاد منتهی به استیضاح وزیر ارشاد در مجلس پنجم شد. در حالیکه اکثریت مجلس پنجم با جناح مخالف همسو بودند، دفاع و سخنرانی منطقی دکتر مهاجرانی مخالفان را کاهش داد و با ۱۲۱ رأی موافق موفق به استیضاح مهاجرانی نشدند. اواخر سال دوم احکام حبس برای کدیور و کرباسچی صادر شد. و این دو راهی زندان شدند وآخرین روزهای سال دوم هم سفر رئیس جمهور به کشورهای سوریه و عربستان وقطر همراه شد و پس از این سفر ومذاکرات و تفاهمات طرفین بود که قیمت نفت رو به بهبودی گذاشت و به این ترتیب سال دوم ریاست جمهوری خاتمی به پایان رسید.

**● سال سوم (خرداد ۷۸ تا خرداد ۷۹)**

شروع سال سوم با حادثه تشنج در تجمع دانشجویان در پارک لاله همراه بود. همین روز سخنرانی وزیر ارشاد در تبریز با دخالت گروه فشار ناتمام ماند و مراسم گرامیداشت دوم خرداد در ارومیه هم با درگیری به اتمام رسید. این حوادث و احضار مدیران مسؤول سه روزنامه در روزهای بعد نشان می داد سالی پرحادثه در پیش روست. نمایندگان جناح اکثریت طرحی را برای اصلاح قانون مطبوعات ارائه دادند که در آن محدودیت هایی برای مطبوعات در نظر گرفته شده بود. ارائه این طرح، واکنش حقوقدانان، اصحاب مطبوعات و فعالان سیاسی در اعتراض و حمایت از آن را به دنبال داشت. در همین ایام در حالیکه زمزمه خداحافظی ریاست قوه قضاییه پس از ۱۰ سال ریاست بر این قوه مطرح بود، ماجرای یکی از پرونده های قضایی یعنی پرونده قتلهای زنجیره ای، با خودکشی سعید امامی بر سر زبانها افتاد ومدتی نقل محافل سیاسی و مطبوعاتی و سایر محافل بود. روز بررسی کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات فرا رسید. روز قبل از آن روزنامه سلام خبری مبنی بر «سعید امامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده است» را چاپ کرد. با این حال طرح مذکور با ۱۲۵ رأی به تصویب رسید و روزنامه سلام هم به اتهام چاپ نامه محرمانه وزارت اطلاعات تعطیل شد.

روز بعد گروهی از دانشجویان در اعتراض به تعطیلی سلام در کوی خوابگاه دانشجویان دست به تظاهراتی محدود و آرام زدند. اما این اعتراض با دخالت گروه فشار و حمله به خوابگاه دانشجویان گسترش یافت و به خیابانهای اطراف کشیده شد. حالا دیگر خواسته های دانشجویان عوض شده بود که برخورد با گروه فشار از جمله آنان بود. دانشجویان در دانشگاه اجتماع کردند و مشغول انتخاب شورایی برای پیگیری خواسته هایشان بودند، عده ای که هرگز معلوم نشد چه کسانی هستند، با حمله به مغازه ها و منازل مردم در نقاط مرکزی شهر که با دانشگاه تهران و کوی دانشگاه فاصله داشت، چهره ناخوشایندی برای شهر تهران بوجود آوردند. رئیس جمهور در تلویزیون حاضر شد وضمن عذرخواهی از مردم که آرامششان به هم خورده بود گفت: «حادثه ای که پنج شنبه شب در کوی دانشگاه رخ داد بعد از یکی دو روز جریان انحرافی پیدا کرد» رئیس جمهور از مردم خواست «خود را دور نگه دارند تا دولت به وظیفه خود عمل کند». سرانجام این غائله با راهپیمایی ۲۳ تیر پایان یافت و بررسی قضایا توسط شورای عالی امنیت ملی آغاز شد. دو هفته بعد رئیس جمهور در سفری که به همدان داشت چنین گفت: «می دانستم برخورد با جریان قتلهای (زنجیره ای) تاوان سنگینی دارد، منتظر بحران آفرینی ها بوده و هستم».

بحران کم آبی، سیل در شرق مازندران، اصلاح قانون انتخابات و تصویب نظارت استصوابی شورای نگهبان بر تمام مراحل انتخابات از قضایایی بودند که در تابستان ۷۸ اتفاق افتاد.

اواسط شهریور هم در حالیکه ۲۰ روز از تغییر رئیس قوه قضاییه گذشته بود بدون برگزاری دادگاه، روزنامه نشاط توقیف شد اما اندکی پس از آن رئیس جدید قوه قضاییه از کشاندن پای قوه قضاییه به مسائل مطبوعاتی انتقاد کرد.

سال تحصیلی ۷۹ - ۷۸ با اعتراض و راهپیمایی و تحصن علیه یک نشریه دانشجویی آغاز شد. نشریه دانشجویی موج که در محدوده دانشگاه با تیراژ ۲۰۰ نسخه چاپ می شد، ۲۵ روز قبل از سال تحصیلی نمایشنامه ای را چاپ کرده بود که برخی مطالب آن توهین به مقدسات را به نظر می رساند. بعد از ۲۵ روز معلوم نشد توسط چه کسانی، به تمام نقاط کشور فاکس شد.

راهپیمایی ها، تحصن ها و اعتراضات در حال گسترش بود وسردار نقدی تهدید کرده بود که خود حکم خدا را اجرا می کند و منتظر کسی نمی ماند. جامعه روحانیت بیانیه ای صادر کرد که در آن انتقادات تندی به رئیس جمهوری وارد شد. البته این بیانیه با واکنش مجمع روحانیون روبرو شد.

وزیر اطلاعات، هشدار داد مانع سوء استفاده فرصت طلبان شوید. وزیر کشور قضیه «موج» را توطئه ای علیه دولت و ادامه کارناوال شادی عصر عاشورا دانست. رئیس جمهور معتقد بود: «دستهایی در آستانه بازگشایی دانشگاهها، اهانت به مقدسات و تحریک احساسات را دامن می زنند» ونهایتاً مقام رهبری درخطبه های نماز جمعه، خواستار کنترل احساسات همه شدند و ضمن حمایت از آقای خاتمی وتأکید بر حاکمیت قانون چنین بیان کردند: «برخی گفته اند ما مجازات می کنیم، ابداً ابداً، این کارها مربوط به حکومت است» و بدین ترتیب این قضیه هم تمام شد و یک ماه بعد نویسنده مقاله به سه سال حبس محکوم شد.

با توجه به نزدیکی ثبت نام کاندیداهای نمایندگی مجلس ششم، برخی می بایست استعفا می دادند. عبدالله نوری هم به منظور ثبت نام کاندیداتوری مجلس ششم از شورای شهر استعفا داد. اما چند روز بعد در گیر کیفر خواست دادگاه ویژه روحانیت در رابطه با روزنامه خرداد شد. این جریان هم واکنشهایی را در پی داشت. آیت الله طاهری اصفهانی خواستار وکالت عبدالله نوری شد و دفاع از او را ذخیره آخرت خود دانست. سخنرانی عبدالله نوری در قم به تشنج کشیده شد، انتقادات علیه او شدت گرفت وسرانجام دادگاه برگزار شد.

هیأت منصفه دادگاه ویژه او را مجرم شناخت و دادگاه وی را به پنج سال حبس و تعطیلی روزنامه خرداد محکوم کرد. خاتمی زندانی شدن عبدالله نوری را محروم شدن ایران از یک دولتمرد توانا توصیف کرد.

دو هفته قبل از انتخابات مجلس ششم، چاپ یک کاریکاتور هم سبب راهپیمایی و تحصن علیه سیاستهای مطبوعاتی وزارت ارشاد شد که چند روزی به طول انجامید. و حالا ۱۰۰۰ روز پس از حماسه دوم خرداد، نوبت به حماسه ای دیگر رسید. سیدمحمدخاتمی از مردم خواست ۲۹ بهمن را دوم خردادی دیگر کنند ومردم هم چنین کردند، پیروزی اصلاح طلبان در مجلس ششم.

برای اطمینان شورای نگهبان از سلامت انتخابات در تهران، بازشماری آرا آغاز شد و چهار روز بعد عضو هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان اعلام کرد ادامه بازشماری ضروری نیست وشورای نگهبان در ۲۴ ساعت آینده نظر نهایی خود را اعلام خواهد کرد. اما با درخواست هاشمی رفسنجانی باز شماری مجدداً آغاز شد. در همین حال و در حالیکه به پایان سال ۷۸ نزدیک می شدیم، ترویج تئوری خشونت نتیجه داد و سنگفرش خیابان بهشت، با خون سعید حجاریان رنگین شد.

رئیس جمهوری درواکنش به ترور حجاریان اعلام کرد: «ما تا آخر ایستاده ایم» موج محکومیت ترور ونگرانی همه کشور را فرا گرفت. پس از یک هفته خبر بهبودی نسبی حجاریان عیدی مردمی بود که نگران و دست به دعا بودند.

خبر دستگیری تیم ترور سعید حجاریان در اولین روز سال ۷۹ خبر خوشحال کننده دیگری بود. از نوروز سال ۷۹ تا دوم خرداد همان سال اتفاقات بسیاری رخ داد که فقط به آنها اشاره می کنیم.

نیمه فروردین برای چندمین بار بازشماری آرا آغاز شد. آخر فروردین اصلاحیه قانون مطبوعات توسط مجلس پنجم تصویب شد. همان روز فیلم گزینشی کنفرانس برلین در شبکه اول سیما پخش شد. در این فیلم برای اولین بار پس از انقلاب رقص یک خانم به نمایش درآمد.

متعاقب آن شرکت کنندگان در این کنفرانس به دادگاه انقلاب احضار شدند. چند روز بعد اکبر گنجی راهی زندان شد که تاکنون در زندان به سر می برد.

فردای همین روز ۸ روزنامه و ۴ هفته نامه براساس قانون مصوبه سال ۱۳۳۹ تعطیل شدند.

روز بعد روزنامه ای دیگر تعطیل شد. ۳ روز بعد روزنامه های «مشارکت» به مدیر مسؤولی محمدرضاخاتمی که بالاترین رأی تهران را به دست آورده بود و «صبح امروز» به مدیر مسؤولی سعید حجاریان تعطیل شدند.

در حالیکه جواد لاریجانی انتخابات تهران را افتضاح و لکه ننگ خواند و خواستار ابطال آن بود و بازشماری همچنان ادامه داشت، مرحله دوم انتخابات برگزار شد و بار دیگر اصلاح طلبان پیروز میدان بودند. سال سوم با اعلام نتایج انتخابات تهران پس از ۹۳ روز به پایان رسید. هاشمی رفسنجانی از رتبه ۳۰ به ۲۰ ارتقا یافت، حداد عادل نماینده شد، علیرضا رجایی حذف شد و چهار نفر به مرحله بعد راه یافتند.

**● سال چهارم (خرداد ۷۹ تا خرداد ۸۰)**

سال چهارم با اعلام شکایت شورای نگهبان از ستاد انتخابات آغاز شد. مروری کنیم بر حوادث، اتفاقات وخبرهای مهم سال چهارم.

افتتاح مجلس ششم، مهمترین موضوع خرداد ۱۳۷۹ بود.

در تیرماه «بیان» توقیف شد. در واکنش به تعطیلی بیان آقای محتشمی چنین گفت: «شعارهای رئیس قوه قضاییه در مورد توسعه قضایی نه تنها محقق نشد، بلکه برخوردهای غیرقانونی صورت گرفته در این دوره با شدت و خشونت بسیار بیشتری انجام شده است».

محسنی اژه ای هم اعلام کرد: «برای دفاع از توقیف مطبوعات آماده مناظره هستم». از دیگر موضوعات مطرح در تیر ۷۹ پروژه معروف به نوارسازان و دستگیری شیرین عبادی و رهامی، احضار تاج زاده به عنوان مطلع در این رابطه و تبرئه اکثر متهمان حمله به کوی دانشگاه در سالگرد حمله به کوی دانشگاه بود.

اعلام تلویحی شرکت در انتخابات توسط سیدمحمدخاتمی و واکنشهای تند مخالفان، خارج شدن دستور اصلاح قانون مطبوعات با اعلام نظر رهبری و واکنشهای پس از آن و همچنین تعطیلی روزنامه بهار به دلیل چاپ تیتر «اقدامات ویژه علیه مجلس تدارک شده بود» از جمله وقایع مردادماه بود.

همه انتقادات و واکنشهای شهریورماه مربوط می شد به حادثه خرم آباد که به دنبال برگزاری اجلاس سالانه دفتر تحکیم وحدت در این شهر رخ داد. این اجلاس که با پیام رئیس جمهوری آغاز شده بود با ورود آقایان سروش و کدیور به خرم آباد برای سخنرانی به تشنج کشیده شد و با ضرب و شتم دانشجویان در پل دختر و بروجرد تمام شد.

مهمترین خبر در مهرماه خبر محاکمه اکبر گنجی که مربوط به پرونده کنفرانس برلین او می شد، بود. در این محاکمه اکبر گنجی خبرهایی درباره قتلها و برخی دخالتها در این ماجرا داد. در واکنش به ادعاهای گنجی، محسنی اژه ای گفت: پاسخ گنجی را خواهم داد.

در آبان ماه تاج زاده به ریاست ستاد انتخابات منصوب شد و ۲ روز بعد به دادگاه احضار شد (در رابطه با حادثه خرم آباد) از روز معرفی دکتر سیدعطاء الله مهاجرانی به عنوان وزیر ارشاد انتقادات علیه وی آغاز شد بطوریکه کمترین رأی را از مجلس پنجم گرفت. در بین راه یکبار استیضاح شد که توانست رأی اعتماد بگیرد. بارها علیه او راهپیمایی شده بود و او مقاومت کرده بود. اما آذرماه ۱۳۷۹ وقت آن شد که او هم برود. خاتمی در پاسخ به استعفایش چنین گفت: راه پاسداری از اندیشه و حقوق شهروندان بی بازگشت است.

در دی ماه، دادگاه قتلهای زنجیره ای بدون حضور اولیای دم برگزار شد و تاج زاده به اتهام تقلب در انتخابات مجلس ششم به دادگاه احضار شد.

از ابتدای شروع به کار دولت خاتمی، بحرانهای زیادی را شاهد بوده ایم که در این گزارش برخی از آنها نام برده شد. بهمن ۷۹ سیدمحمدخاتمی هم از بحرانهای ایجاد شده گلایه کرد و وجود یک بحران در هر ۹ روز را خبر داد. این خبر با واکنش تند مخالفان همراه بود.

محکومیت تاج زاده به حبس و انفصال از خدمات دولتی و تعطیلی روزنامه دوران امروز و سه نشریه دیگر از وقایع اسفندماه بود.

فروردین ۸۰، ماه دستگیری بود. دستگیری ۶ ساعته فاطمه حقیقت جو و بازداشت نیروهای موسوم به ملی - مذهبی وبرخی اعضای نهضت آزادی به اتهام براندازی. بسیاری از رجال سیاسی از این دستگیری ها اظهار نگرانی و تأسف کردند. وزیر اطلاعات گفت: طبق اسناد وزارت اطلاعات دستگیرشده ها براندازنیستند ولی سودی نبخشید.

درحالی که چندی پیش ترقی یکی ازفعالان جناح راست گفته بود. «شرکت خاتمی درانتخابات موجب کاهش مشارکت نامزدهای دیگر می شود» اردیبهشت ۱۳۸۰، ۸۱۴ نفر به وزارت کشور مراجعه و برای کاندیداتوری انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری ثبت نام کردند که نهایتاً ۱۰ نفر از آنها ازسوی شورای نگهبان واجدالشرایط اعلام شدند.

درآخرین روزهای سال چهارم دو اتفاق دیگر رخ داد. توقیف روزنامه نوسازی به فاصله پنج روز پس از انتشار و اتفاق تأسف بار سقوط هواپیمای حامل وزیر راه و همراهان.

**● سال پنجم (خرداد ۸۰ تا خرداد ۸۱)**

قابل پیش بینی نبود که یک رئیس جمهور با ۴ سال کار اجرایی که قاعدتاً نقاط ضعفی را هم با خود دارد بتواند نسبت به انتخاب اولیه اش رأی بیشتری کسب کند اما از ۲۸ میلیون رأی ۲۲ میلیون رأی به خاتمی تعلق گرفت و ۶ میلیون به ۹ رقیب وی.

برای مدتی، مخالفین دولت، ۱۲ میلیونی که رأی ندادند را به رخ کشیدند و آنان را مخالفان دولت قلمداد کردند. اگرچه هیچوقت نگفتند چرا این ۱۲ میلیون به ۹ رقیب خاتمی رأی ندادند.

خشکسالی بحرانی بود که سال پنجم با خود به ارمغان آورد. به گونه ای که حتی آب آشامیدن بسیاری از شهرهای بزرگ جیره بندی شد. درعین حال انتظار می رفت که حوادث غیرطبیعی نسبت به ۴ سال اول کمتر شود که می توان گفت چنین هم شد که دلایلی برای کمترشدن حوادث مصنوعی می توان شمرد از جمله تغییر روش مخالفین، تحمیل بخشی از فشارها به دولت توسط مجلس ونهایتاً اختلافات بین اصلاح طلبان. اما این بدین معنا نیست که هیچ مانعی برسرراه دولت نبود. هنوز هم موانع و کارشکنی هایی بود که به برخی از آنها در لابه‌لای این نوشتار اشاره شده است.

هنوز دولت دوم خاتمی شروع به کار نکرده بود که اخباری مبنی بر وجود کمیته ای به نام «ایکس» در دفتر ریاست جمهوری برای شنود مکالمات مخالفان دولت بر سر زبانها افتاد. پس از چند روز کشمکش مطبوعاتی و سیاسی بر سر این ماجرا وزیر اطلاعات ایجاد مرکز شنود در دفتر رئیس جمهور را یک شوخی سیاسی خواند.

بالاخره روز تنفیذ و تحلیف فرارسید. همزمان با این ایام قوه قضاییه ۶ نفر حقوقدان را به مجلس معرفی کرد تا ۳ نفر آنها برای عضویت در شورای نگهبان انتخاب شوند. اما نمایندگان با همه معرفی شدگان مخالفت کرده و به آنها رأی ندادند. بنابراین مراسم تحلیف رئیس جمهور که باید در مجلس و با حضور همه اعضای شورای نگهبان انجام می شد به تعویق افتاد. پس از چند روز کشمکش مجمع تشخیص مصلحت تشخیص داد که نیازی به رأی اکثریت نمایندگان نیست و ۳ نفری که بیشترین رأی را به هرمیزان کسب کنند عضو شورای نگهبان شناخته می شوند.

پرونده پتروپارس، واکنش به اجرای احکام شلاق زدن در خیابانها علی رغم مخالفت شورای تأمین استان، معرفی کابینه و مذاکرات طولانی مجلس در این مورد و وقوع سیل در شمال کشته شدن دهها نفر در این حادثه مباحثی بودند که مرداد و نیمه اول شهریور در محافل سیاسی و مطبوعاتی پیگیری می شد.

گزارش وزرا به مناسبت هفته دولت نشان دهنده عزم دولت در برداشتن گامهای بزرگ اقتصادی بود که می بایست در چهارسال پیش رو برداشته شود.

انتشار اوراق قرضه بین المللی یکی از این گامها بود که برای جذب سرمایه خارجی به کار گرفته شد و برای اولین بار توسط ایران در شهریور ۸۰ انجام شد.

عملیات تروریستی القاعده در آمریکا و انفجار برجهای دوقلو باب جدیدی را در سیاست خارجی کشور گشود که دولت دوم خاتمی می بایست با آن دست و پنجه نرم می کرد.

حمله آمریکا به افغانستان درمهر ۸۰ گرچه سقوط خوشایند طالبان را درپی داشت اما اتهامات بعدی آمریکا علیه ایران درحمایت از تروریسم ومخفی کردن اعضای القاعده را نیز به دنبال داشت، اتهاماتی که هنوز هم ادامه دارد و بخشی از فشارهای خارجی علیه ایران را تشکیل می دهد.

حمله آمریکا به افغانستان در سالی صورت گرفت که با پیشنهاد خاتمی و تصویب سازمان ملل سال گفت وگوی تمدنها نام گرفته بود.

درهمین ایام چندتن از نمایندگان بازداشت شدند. ادامه بازداشت و احضار نمایندگان به دادگاه که عمدتاً به خاطر نطق قبل از دستور بود خاتمی را واداشت تا به قوه قضاییه تذکر قانون اساسی بدهد، اما قوه قضاییه معتقدبود شورای نگهبان باید تفسیر کند که رئیس جمهور می تواند به قوه قضاییه تذکر دهد یا نه. خاتمی دراین مورد گفت: «تفسیر و همه پرسی لازم نیست، رئیس جمهور پاسدار قانون اساسی است.»

هنوز جنگ آمریکا علیه طالبان تمام نشده بود که خاتمی در سازمان ملل حاضر شد و ضمن نفی خشونت بر خردورزی همچون همیشه تأکید کرد.

ماه آخر پاییز بحث رخنه نفوذی ها در مجلس توسط عسگراولادی مطرح شد که این خود مدتی مباحث مطبوعاتی و سیاسی را تشکیل می داد تا اینکه معاون وزیر اطلاعات این نظر را یک تحلیل سیاسی و نه اطلاعات خاص دانست و تأکید کرد: مدارک نفوذی های دشمن را ارائه کنید». اما حمله به مجلس و دولت ادامه داشت و خاتمی «انتقام گیری از مردم درپی این هیاهوها» را متذکرشد. دی ماه ۸۰ دستگیری نماینده همدان و زندانی شدن وی را شاهد بودیم. رئیس مجلس در اعتراض به این قضیه گفت: «داشتم درباره چندصدایی در ایران صحبت می کردم که موبایلم را دستم دادند و گفتند لقمانیان را گرفتند. خاتمی هم از وضعیت پیش آمده برای مجلس اظهار تأسف کرد. نایب رئیس مجلس در نامه ای به مقام رهبری موضوع را در میان گذاشت که مقام رهبری در پاسخ تأکید کردند؛ «بارعایت موازین قانونی نمایندگان موظف به انتقاد هستند».

اما هنوز روزنامه های جناح مخالف دولت اعتراض به این وضعیت را با ترور شخصیت شاهرودی با هدف تعطیلی مبارزه با مفاسد اقتصادی تبلیغ می کردند نهایتاً با توافق کمیته ای مشترک از مجلس وقوه قضاییه اجرای حکم زندان نمایندگان متوقف شد. هنوز یک ماه از بحث نفوذی های دشمن در مجلس نگذشته بود که این بار گفته شد؛ ۶۰ نماینده در مفاسد اقتصادی دست دارند اما باز هم وزارت اطلاعات چنین خبری را تکذیب کرد با این حال همچنان نماینده همدان در بازداشت بود تا اینکه با عفو مقام رهبری آزاد شد اما حمله به مجلس به روشی دیگر پی گرفته شد. دادگاه شهرام جزایری برگزار شد و در آن دادگاه اسامی بسیاری از جمله برخی نمایندگان از هر دو جناح به عنوان دریافت کنندگان وجه از جزایری اعلام شد.

رئیس مجلس دادگاه جزایری را پاسخ به ایستادگی مجلس دانست و تأکید کرد: «جزایری باید اسم همه را بگوید، مبادا مثل سعید امامی خودکشی کند» به هر حال پس از این قضایا فشار به دولت ومجلس کمتر و آرامتر شد.

اواخر بهمن سقوط هواپیما در حوالی خرم آباد، جان دهها هموطن را گرفت و مایه تأسف همگان شد. اواخر سال هم رئیس قوه قضاییه در جمع دانشجویان حاضر شد وضمن خبر از عفو دانشجویان در پاسخ به سؤال دانشجویان در مورد مطبوعات گفت: «دادگستری تهران باید پاسخگوی بستن فله ای مطبوعات باشد. «اوایل سال ۸۱ موضوع داغ مطبوعات منابع نفتی خزر و اجلاس عشق آباد در این مورد و اعتراض ایران به توافق روسیه و قزاقستان بود. طرح ضربتی اشتغال هم در این ایام از سوی دولت مطرح شد اما همچنان فشار بر دولت وجود داشت تا جایی که خاتمی در اعتراض به فشارهای پشت پرده گفت: «نتوانم، می روم.» وزیر کشور هم هشدار داد که «ستاد بحران ضددولت دوباره فعال شده است.» در همین ایام نشست دفتر تحکیم وحدت در اراک متشنج شد و به درگیری انجامید.

در آخرین روزهای سال پنجم خاتمی در اعتراض حملات به مجلس و دولت گفت: برخی از نهادها به اخطارهای رئیس جمهور پاسخ هم نمی دهند ... چطور اهانت به مجلس سکه رایج است اما انتقاد به دیگر نهادها تضعیف نظام؟

**● سال ششم (خرداد ۸۱ تا خرداد ۸۲)**

آغاز سال ششم با یک رخداد تلخ همراه شد. زلزله در استانهای قزوین و همدان که صدها کشته و زخمی و میلیاردها خسارت مالی برجای گذاشت تیرماه همان سال اعتراضات گسترده ای به سخنرانی هاشم آغاجری در همدان شد گفته می شد سخنان وی توهین به ائمه(ع) بوده است حتی خاتمی و کروبی هم به نوعی معترض شدند. چند روز بعد حکم جلب وی صادر شد و باهنر گفت «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی عنوان انقلاب اسلامی را از نام خود پاک کند» جامعه مدرسین هم در بیانیه ای اعلام کرد سازمان مجاهدین انقلاب مشروعیت دینی ندارد. در همین ایام آیت الله طاهری پس از ۳۰ سال از امامت جمعه اصفهان استعفا داد. توقیف روزنامه نوروز، حکم دادگاه مبنی بر انحلال نهضت آزادی و سیل در گلستان هم از رخدادهای مردادماه سال ۸۱ بود.

اوایل شهریور و در هفته دولت اعلام شد در پارس جنوبی ۲۰ میلیارددلار سرمایه گذاری خواهد شد. طرحی که تاکنون ۵ فاز آن به بهره برداری رسیده است. استخدام نیروی انسانی برای ادارات دولتی هم از همین ایام برای اولین بار نظام مند شد که از طریق آزمون انجام گیرد.

مدتها بود که خاتمی معترض فشارها به دولت و اهمیت ندادن به تذکرات رئیس جمهور بود. یک بار در مورد حمله به مجلس گفته بود «نمی دانم چه باید کرد.» اما اکنون به این نتیجه رسیده بود که باید اختیارات رئیس جمهور تبیین شود اگرچه ارائه این لایحه به مجلس لایحه «افزایش اختیارات رئیس جمهور» خوانده شد و خاتمی متهم به سلطنت شد. همزمان لایحه ای برای اصلاح قانون انتخابات به مجلس تقدیم شد که به لوایح دوقلو مشهور شدند. الهام مدافعان لوایح را سکولار خواند و مدت بسیاری بحث بر سر این لوایح ادامه داشت اما دو خبر اقتصادی «سرمایه گذاری بانک جهانی در ایران پس از ۲۸ سال» و «اعلام پرداخت بدهی های دولت به دستگاهها و بانکها تا پایان سال» نشان داد که دولت با همه تنگناها به کار خود ادامه می دهد.

مهر ۸۱ هم مدتی فضای سیاسی - مطبوعاتی کشور با خبری مبنی بر ورود گوشتهای آلوده توسط جام جم ملتهب شد. اما آبان ماه اگرچه آزادی عبدالله نوری با حکم مقام معظم رهبری را شاهد بودیم، پرونده نظرسنجی ها و حکم اعدام آغاجری ماجراهای داغ روز بودند. هیأت دولت از این حکم اظهار تأسف کرد، کروبی آن را «حکم ننگین» دانست و از آن اظهار تنفر و انزجار کرد. حتی سخنگوی قوه قضاییه از این حکم اظهار تأسف کرد و در همین ایام استعفا داد. خاتمی هم ضمن قابل انتقاد بودن سخنان آغاجری حکم را نادرست دانست و دانشجویان را به خویشتن داری دعوت کرد. مقام رهبری هم دستور داد حکم اعدام مورد بازنگری قرار گیرد.

شاید بتوان سال ۸۱ را سال اختلافات داخلی اصلاح طلبان دانست. اعضای شورای شهر که از مدتها پیش با هم اختلاف داشتند، با شهردار و وزارت کشور هم مشکل پیدا کردند و همه را از این قضایا خسته کرده بودند. آذرماه وزارت کشور انحلال شورای شهر را اعلام کرد اما نمایندگان به انحلال رأی ندادند و هیأتی را تحت عنوان هیأت حل اختلاف مسؤول پیگیری موضوع کردند که پس از دوماه این هیأت هم تنها راه حل را انحلال شورای شهر دانست.

اواخر آذرماه گزارشی از CNN پخش شد. که در آن ایران متهم به فعالیتهای مخفی هسته ای برای دستیابی به سلاح هسته ای شد این گزارش آغازی برای یک ماجرا شد که تاکنون نیز ادامه دارد. تعطیلی دو روزنامه دیگر و ثبت نام کاندیداهای شورای شهر برای دومین انتخابات شوراها از رخدادهای دی ماه بود از سال ۷۶ و به دنبال یک سخنرانی محدودیتهایی برای آیت الله منتظری درنظر گرفته شد که بهمن ۸۱ این محدودیتها برداشته شد برگزاری دومین انتخابات شوراها در اسفند ۸۱ و استقبال کم مردم بخصوص در تهران که نهایتاً با پیروزی گروهی به نام آبادگران پایان یافت نشان داد که عاقبت اختلاف اصلاح طلبان خوشایند نخواهد بود. وجود سلاحهای کشتارجمعی در عراق بهانه ای شد تا شاهد حمله آمریکا به عراق در فروردین ۸۲ باشیم. تا مدتها خبر اول همه رسانه ها خبر جنگ بود تا پس از ۲۰ روز رژیم دیکتاتوری صدام سقوط کرد و مردم عراق آزاد شدند. اما درگیریهای داخلی بعدی سبب شد تا آمریکا، ایران را متهم به دخالت در امور عراق کند که این موضوع هم تاکنون ادامه دارد. در حالیکه به آغاز سال هفتم نزدیک می شدیم خاتمی از تصویب لایحه ای که برای تبیین اختیاراتش داده بود مأیوس شد چرا که شورای نگهبان این لایحه را رد کرد خاتمی با ارجاع لایحه به مجمع تشخیص مصلحت مخالفت کرد و گفت: «فایده ای ندارد، مخالفم ... حاضر نیستم براساس مصلحت مسؤولیتی برعهده بگیرم.»

**● سال هفتم (خرداد ۸۲ تا خرداد ۸۳)**

سالگرد دوم خرداد خاتمی نامه ای خطاب به ملت ایران نوشت و در آن با توجه به کاستی ها و نقاط ضعف احتمالی خطاب به مردم گفت: «به سهم خود از ملت ایران انتظار عفو دارم».

انتقادات اصلاح طلبان که از اوایل سال پنجم آغاز شده بود آنقدر شدت یافت که خاتمی را به گونه ای متفاوت با اوایل کار خود معرفی می کرد بطوری که ابطحی گفت خاتمی عوض نشده است اما انتقادات ادامه داشت و حتی از استیضاح خاتمی سخن گفته شد. حالا دیگر خاتمی از دو سو مورد انتقاد بود اما از این ماجرا ناراحت نبود چرا که خود بارها تأکید کرده بود که قدرت و حاکمان باید مورد انتقاد قرار بگیرند با این حال از سیاه نمایی انتقاد کرد و گفت: «تحمل می کنم اما انصاف داشته باشید» متأسفانه بازهم اعمال خشونت آمیز رخ داد و خرداد ۸۲ به خوابگاه طرشت حمله شد و دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند اما مشخص نشد چه گروهی این اقدام را انجام داد. به دنبال این اقدام جو دانشگاهها متشنج شد و موجب ناآرامی هایی در سطح کشور گردید.

تیرماه سال ۸۲ مرگ زهرا کاظمی در زندان حادثه تلخی بود که رخ داد حادثه ای که روابط خارجی ما را تحت تأثیر قرار داد. خاتمی دستور برای تحقیق در مورد مرگ زهرا کاظمی را صادر کرد و تحقیقات آغاز شد و پرونده به قوه قضاییه سپرده شد اما نهایتاً مشخص نشد قاتل یا قاتلان زهرا کاظمی چه کسانی هستند.

مرداد ماه ۸۲ اعلام شد ۸۰۰ هزارتن به ظرفیت تولید فولاد افزوده شده و تولید این محصول ۱۴ میلیون تن شده است. در همین ایام مجلس طرحی را تحت عنوان طرح جایگزینی خودروهای فرسوده تصویب کرد، با این همه گامهای مثبت، اما سیاه نمایی ها از سوی مخالفان و گاه برخی اصلاح طلبان ادامه داشت.

در همین ماه دومین لایحه خاتمی یعنی اصلاح قانون انتخابات هم توسط شورای نگهبان رد شد. اختلاف شورای نگهبان و وزارت کشور در مورد زمان انتخابات مجلس هفتم هم در همین ایام اوج گرفت وزارت کشور دهه فجر را در نظر داشت وشورای نگهبان محرم را. هرساله مردادماه مراسمی به مناسبت روز خبرنگار برگزار می شود، خاتمی که ظلم به خبرنگاران را بارها شاهد بوده و نتوانسته بود کاری انجام دهد دراین روز گفت: «نمی دانم تبریک بگویم یا تسلیت» هفته دولت همزمان شد با استعفای دکتر معین از وزارت علوم، خاتمی خطاب به دکتر معین گفت قرار بود با هم برویم. دکتر معین که در اعتراض به عدم تصویب لایحه اختیارات وزارت علوم استعفا داده بود به عنوان مشاور رئیس جمهور منصوب شد.

مهر ۸۲ جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی اهدا شد که مایه افتخار همه ایرانیان شد. خاتمی به دلایل نامعلوم پیام تبریکی برای شیرین عبادی نداد در حالی که بسیاری از رؤسای جمهور کشورهای دنیا این موفقیت را تبریک گفتند. این موضوع مدتها مورد انتقاد اصلاح طلبان بود اما ابطحی در یک مصاحبه اعلام کرد خاتمی هم مثل همه ملت خوشحال است. جناح مخالف دولت جایزه صلح نوبل را بی اعتبار دانست.

مذاکرات ایران وسه کشور اروپایی در تهران، مذاکرات ایران وآمریکا در ژنو و بحث گران شدن بنزین مباحث مهمی بودند که درآبان ماه پیگیری شدند.

آذر ۸۲ بار دیگر حملات به مجلس شدت گرفت. کروبی در پی انتقادات شدید به مجلس که در خطبه های نماز جمعه انجام شد اعلام کرد: «اگر توپخانه را خاموش نکنید، موشکهایمان را به کار می اندازیم.» اواخر آذرماه خاتمی که در اروپا به سر می برد با کمال تعجب گفت هیچ زندانی مطبوعاتی درایران وجود ندارد و بار دیگر مورد انتقاد اصلاح طلبان واقع شد. دراین ایام جناح مخالف دولت از خاتمی حمایت می کردند. ۸۲/۹/۲۴ اعلام شد صدام دستگیر شد. این خبر خوشحالی دو ملت عراق و ایران و حتی کویت که زخمهای بسیاری از صدام خورده بودند را موجب شد.

اوایل زمستان ۸۲ واقعه تأسف بار زلزله بم رخ داد. هزاران نفر کشته شدند و میلیاردها تومان خسارت وارد شد. شهر تاریخی بم با خاک یکسان شد و ایران را عزادار کرد.

اواخر دی با ابلاغ نتایج بررسی صلاحیت های کاندیداهای مجلس هفتم مشخص شد از ۸۲۰۰ نفر ۴۰۰۰ نفر رد صلاحیت شده اند. بسیاری از نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم جزو رد صلاحیت شدگان بودند. تعدادی از نمایندگان در مجلس متحصن شدندو استانداران تهدید به استعفا کردند. خاتمی خطاب به استانداران گفت: «محکم بایستید، اگر نخواستند با هم می رویم». خاتمی از نمایندگان خواست تحصن خود را خاتمه دهند اما نمایندگان نپذیرفتند. خاتمی و کروبی در جلسه مشترکی با شورای نگهبان موضوع را پیگیری کردند. ۱۲۵ نماینده اعلام کردند استعفا می دهند. برخی از وزرا و معاونانشان هم تهدید به استعفا کردند. کروبی و خاتمی با مقام رهبری دیدار کردند. مقام رهبری بر برگزاری انتخابات در موعدمقرر تأکید کرد. پس از این مجمع روحانیون اعلام کرد در انتخابات شرکت می کند اما سازمان مجاهدین انقلاب و حزب مشارکت با نداشتن کاندیدا انگیزه ای برای شرکت در انتخابات نداشت. با همه اینها اسفندماه ۸۲ انتخابات برگزار شد و ۵۱ درصد مردم در آن شرکت کردند. آبادگران که سال گذشته در انتخابات شوراها پیروز شده بود مجلس را نیز تسخیر کرد.

فروردین ۸۳ خاتمی لوایح دوقلو را از مجلس پس گرفت و گفت: «امیدوارم شورای نگهبان خود را مافوق مسؤولیت نداند.»

خاتمی بار دیگر در آستانه سالگرد دوم خرداد نامه ای تحت عنوان «نامه ای برای فردا» خطاب به ملت ایران نوشت. در این نامه به بی مهری های چند سال گذشته، سیاه نمایی ها و تخریب ها اشاره شده بود و برای همین بود که جناح مخالف دولت که چند ماهی بود مواضع خاتمی را حمایت می کرد بار دیگر شدت انتقادات خود را متوجه خاتمی ساخت. اکران فیلم مارمولک و انتقاد برخی علما به آن و افتتاح فرودگاه امام(س) و تعطیلی فرودگاه در همان روز توسط ستاد نیروهای مسلح از وقایعی بود که در آخرین روزهای سال هفتم رخ داد. در نظر نگرفتن مسائل امنیتی وعدم توجه وزارت راه و ترابری به مصوبه شورای عالی امنیت ملی از دلایل تعطیلی فرودگاه عنوان شد. کروبی که آخرین روز ریاست خود را پشت سر می گذاشت در این خصوص گفت: «تعطیلی فرودگاه آبروی کشور را برد.» اما به هر حال سال هفتم هم تمام شد. فقط یک سال مانده بود تا خاتمی دو دوره ریاست جمهوری را به پایان برساند. پایانی که برای آن لحظه شماری می کرد.

**● سال هشتم (خرداد ۸۲ تا مرداد ۸۴)**

آغاز سال هشتم همراه بود با افتتاح مجلس هفتم. مجلسی که برای اولین بار پس از انقلاب رئیسی غیرروحانی را تجربه کرد. در همان اوایل کار بحث استیضاح وزیر راه و ترابری که بیشتر به جریان فرودگاه امام مربوط می شد مطرح شد و در عین حال پرونده وی به دادگاه رفت. در تیرماه دادگاه مجدد آغاجری و تجمع مخالفانش مقابل دادگاه برای درخواست اشد مجازات را شاهد بودیم. کشمکش شهرداری و وزارت بازرگانی بر سر تعطیلی و تغییر مکان نمایشگاه بین المللی هم موضوع دیگری بود که برای چندین بار مباحث مطبوعات را به خود جلب کرد. توقیف دو روزنامه و تشکیل وزارت رفاه و اجتماعی که با ادغام چند سازمان موازی شکل گرفته بود هم از رخدادهای تیرماه بودند.

بحث انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۴ آرام آرام شکل می گرفت. داغ ترین بخش این بحث در مردادماه درخواست مجمع روحانیون از میرحسین موسوی برای کاندیداتوری بود. اگرچه برنامه چهارم مصوب مجلس ششم توسط مجلس جدید به کلی تغییر کرد اما اخباری مبنی بر رشد اقتصاد کشور به گوش می رسید. گزارش صندوق بین المللی مبنی بر رشد ۶/۵ درصدی اقتصاد ایران ورشد جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران از خبرهای خوشحال کننده برای آینده اقتصاد ایران بودند. مجلس هفتم در حالی که همکاری با دولت را وعده داده بود زمانی که کمتر از یک سال از مأموریت دولت خاتمی باقی مانده بود در حالی که خاتمی در سفر خارجی بود وزیر راه و ترابری را استیضاح کرد. اما این پایان مشکل ساختن برای دولت نبود. مهر۸۳ مجلس کلیات طرحی را تصویب کرد که براساس آن می بایست قبل از انعقاد هر قراردادی دولت از مجلس مجوز بگیرد. این مصوبه مذاکرات اقتصادی و تجاری دولت با کشورهای دیگر را فلج می کرد. خاتمی واکنش نشان داد و ضمن اظهار تأسف از بدعت مجلس گفت: «مرا در برابر دنیا بی اعتبار می کنید... مصوبه مجلس به معنای فلج کردن دولت است.» تعویق سفر خاتمی به ترکیه از اولین تأثیرات مصوبه مذکور بود.

بحث انتخابات با نیامدن میرحسین موسوی شکل جدیدی به خود گرفت و افراد مختلفی آمادگی خود را برای کاندیداتوری اعلام می کردند. در همین ایام خبر خودکفایی در تولید گندم که آرزوی مردم و دولتمردان بود اعلام شد. خبری که نشان می داد پس از نیم قرن توانسته ایم گندم وارد نکنیم همزمان با این خبر بهره برداری از فازیک پارس جنوبی (بزرگترین میدان گازی خاورمیانه) آغاز شد. اعلام افزایش درآمد کشور از طریق صادرات غیرنفتی هم خبری بود که در ماههای پایانی دولت خاتمی اعلام شد. اعتراض دولت و اقتصاددانان به مجلس هفتم به علت تصویب برداشت های بی رویه از صندوق ارزی و خطر انحلال این صندوق نیز از مباحث مهم پاییز ۸۳ بود. روز دانشجو خاتمی برای آخرین بار با دانشجویان دیدار داشت. در آن جلسه هم خاتمی مورد تشویق دانشجویان قرار گرفت و هم مورد اعتراض. خاتمی در سخنان خود و در پاسخ به سؤالات دانشجویان گفت: «من طلبکارم اما نه از ملت، از کج اندیشان قدرت طلب که در برابر مطالبات مردم ایستادند.»

تغییر نام خلیج فارس در نشریه نشنال جغرافی رخدادی بود که با واکنش اعتراض آمیز ایرانیان در سراسر دنیا مواجه شد. چنانچه آن نشریه مجبور به اصلاح نقشه مجعول خود شد. زمستان مباحث انتخاباتی داغ تر می شد. کروبی و معین اعلام آمادگی کردند. معین اعلام کرد از هم اکنون برای خود معاون مشخص می کند. اما آمدن این دو پیامی دیگری هم به مردم داشت: «اختلاف اصلاح طلبان» در همین حال مجلس هفتم، گرچه همکاری با دولت را تأکید می کرد اما وزیر پیشنهادی خاتمی برای وزارت راه و ترابری رأی نداد و تغییرات گسترده ای در بودجه سال ۸۴ ایجاد کرد. باز هم استیضاح چند وزیر مطرح بود. حاجی، وزیر آموزش و پرورش دومین وزیری بود که مجلس هفتم می بایست استیضاح کند اما با نامه مقام رهبری به رئیس مجلس پرونده استیضاح بسته شد. هنوز بازسازی بم به پایان نرسیده بود که زلزله ای دیگر استان کرمان را لرزاند و به شهر زرند خسارات مالی و جانی زیادی وارد کرد. اما روزهای پایانی سال ۸۳ افتتاح سد کارون ۳ و کارخانه ۱۰۰ هزار تنی شکر در خوزستان رخدادهایی بودند که می توانستند اندکی از خستگی خاتمی را بکاهند. در پایان سال ۸۳ همچنین اجلاس اعضای اوپک در اصفهان را شاهد بودیم که برای اولین بار در ایران تشکیل می شد سال ۸۴ با اخراج یک خبرنگار از مجلس به دلیل افشای فیش حقوقی نمایندگان آغاز شد اما مباحث انتخاباتی آنقدر داغ شده بود که اینگونه مسائل را تحت الشعاع قرار دهد.

اواخر فروردین دو رخداد تلخ و شیرین را شاهد بودیم.

ناآرامی در خوزستان به علت انتشار یک نامه جعلی از مشاور رئیس جمهور و افتتاح فاز ۴ و ۵ پارس جنوبی. اردیبهشت ماه هم افتتاح بزرگترین پروژه راه آهن کشور یعنی راه آهن بافق - مشهد را نظاره گر شدیم. در همین ایام به موزه رفتن پیکان پس از ۳۸ سال تولید که گامی برای بهینه سازی در تولید خودرو بود اتفاق افتاد. به ثبت نام کاندیداهای ریاست جمهوری نزدیک می شدیم که بار دیگر احتمال نامزدی میرحسین موسوی مطرح شد و معادلات مباحث انتخاباتی را تحت الشعاع قرار داد اما نهایتاً وی اعلام کرد که کاندید ریاست جمهوری نمی شود و ثبت نام کاندیداها آغاز شد. هاشمی رفسنجانی پس از ماهها تردید ثبت نام کرد، کروبی در انتقاد از عملکرد گذشته هاشمی بیانیه ای صادر کرد و اختلاف جناح مخالف دولت بر سر کاندیدای واحد ادامه داشت. دوم خرداد ۸۴ نتیجه بررسی صلاحیتها اعلام شد. معین رد صلاحیت شد اگرچه روز بعد با حکم مقام رهبری به شورای نگهبان معین و مهرعلیزاده تأیید صلاحیت شدند اما چند روزی طول کشید تا معین به ادامه راه مصمم شود.

در آخرین روزهای پایانی سال هشتم پس از ۲۲ بار ناکامی برای عضویت در WTO، ایران به عضویت این سازمان درآمد.

پایان سال هشتم با شادی مردم ایران به مناسبت راهیابی تیم ملی فوتبال به جام جهانی همراه شد. ایران سه بار به جام جهانی راه یافته که دو بار از آن در دولت خاتمی اتفاق افتاد. خرداد ۸۴ انتخابات نهم برگزار شد و برای اولین بار، انتخابات ریاست جمهوری دو مرحله ای شد. آقایان هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد به دور دوم راه یافتند و نهایتاً در اوایل تیر ماه محمود احمدی نژاد ششمین رئیس جمهور ایران شد. مأموریت ۸ ساله خاتمی به پایان رسید. اما همچنان محبوب دل ایرانیان باقی ماند.
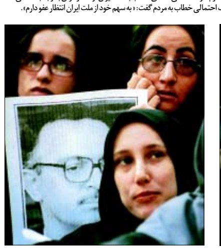
برخی از رخدادها که به آنها اشاره شد یا نشد در تاریخ ایران کم نظیر یا بی نظیر هستند. ایجاد صندوق ذخیره ارزی، ثابت ماندن قیمت دلار طی ۸ سال، ورود به سازمان تجارت جهانی، افزایش تولیدات صنعتی اعم از فولاد، خودرو، فرآورده های نفتی و پتروشیمی و... افزایش تولیدات در بخش کشاورزی از جمله گندم که برای اولین بار شعار خودکفایی در این محصول محقق شد، استخراج نفت و گاز در پارس جنوبی با همه مشکلاتش، کوچک سازی دولت و ادغام بسیاری از وزارتخانه ها، نهادها و سازمان های دولتی، راهیابی به جام جهانی فوتبال در دو مرحله (چند ماه پس از آمدن خاتمی و چند ماه قبل از رفتن خاتمی) توسعه امور تربیت بدنی و ۴۰ برابر شدن بودجه آن، توجه بیشتر به ایثارگران و خانواده شهدا و ۷۰ برابر شدن بودجه آنها که خاتمی در دیدار با خبرنگاران به آن اشاره کرد، توسعه مخابرات، توسعه بورس اوراق بهادار، نظام مند شدن مالیاتها و... از جمله رخدادهایی هستند که نتایج آنها در آینده ای نزدیک ملموس تر خواهد شد. اما قضاوت در مورد عملکرد خاتمی را باید به آینده واگذار کرد، آینده ای نه چندان دور.